

وقتی که سرشکنجه‌گر مخالف شکنجه می‌شود، پیرامون مصاحبه‌ی پرویز ثابتی با صدای امریکا

یداله بلدی



آقای ثابتی، اکثریت مردم ایران اعترافات شکنجه‌گرانی مانند تهرانی، آرش کمالی و شاهین را از تلویزیون مشاهده کردند و انکار شما نمی‌تواند واقعیات را کتمان کند. شما زندان‌های مخوف اوین و گوهردشت را با تمام ابزار و آلات و تجربیات برای رژیم فعلی به میراث نهادید. جنبش چپ ایران که فرزندان زیادی را در دو رژیم در راه رسیدن به آزادی و عدالت از دست داده است همواره از اشتباهات خود انتقاد کرده است اما سران رژیم پیشین هیچ‌گاه نمی‌خواهند بپذیرند که عامل اصلی بر آمدن هیولای جمهوری اسلامی خطاهای آنان بوده است

در ۱۵ فروردین ۱۳۵۰، پرویز ثابتی با عنوان مقام امنیتی بر صفحه تلویزیون ظاهر شد و در باره رویداد سیاهکل گزارش‌هایی ارائه کرد که از آن پس به نام «مقام امنیتی» شناخته شد اما سازمان فدائی از او با عنوان رمزی «ابروکمانی» نام می‌برد.

پرویز ثابتی طبق اظهارات خود با مدرک لیسانس حقوق در سال ۱۳۳۷ به استخدام ساواک در آمد و سپس به مقام مدیر امنیت داخلی رسید. ایشان پس از ۳۳ سال سکوت را شکست و در برنامه «افق» صدای امریکا شرکت کرد و مطالبی را پیرامون عملکرد ساواک و مخالفین رژیم شاه ابراز داشت و در این گفتگو زیرکانه و ناصادقانه پاسخ پرسش‌ها را به مسیر دیگری کشاند و به انکار و تحریف واقعیات پرداخت و ساواک را از اتهامات وارده تبرئه کرد و مخالفین را تروریست و خرابکار نامید.

ایشان نکاتی را در این برنامه ابراز داشتند که به بررسی برخی از آنان می‌پردازیم:

۱- ایشان از اتهامات فسادى که به خاندان سلطنت نسبت داده می‌شد یک مورد آن را که احتمالاً واقعیت نداشته است بر می‌گزیند و آن را به

عنوان نمونه‌ای از اتهامات بی اساس به خاندان سلطنت معرفی می‌کند، مانند دستگیری اشرف پهلوی با یک چمدان هروئین، اما این مورد شایعه را به هیچ‌وجه نمی‌توان معیار قضاوت در باره کارنامه فساد مالی خاندان سلطنت بر شمرد. ایشان به خوبی آگاهند که خاندان سلطنت با توسل به شیوه‌های گوناگون بخشی از اموال عمومی و منابع ملی را به غارت بردند. چگونه می‌توان ثروت بی‌کران این خاندان را با قبل از به سلطنت رسیدن رضا شاه که فقط یک باب خانه در میدان حسن‌آباد داشت مقایسه کرد؟

۲- آقای ثابتی می‌گوید که هر چند در زمان شاه مفساد وجود داشته است اما با فساد رژیم کنونی قابل مقایسه نیست. بدون شک این گفته واقعیت دارد اما غارت بی‌کران و جنایات بی‌شمار رژیم کنونی همواره دستاویزی است برای سردمداران رژیم پیشین که عملکرد خود را در تمام موارد با این رژیم سراپا فاسد و جنایتکار مقایسه می‌کنند تا بدین وسیله برتری خود را به اثبات برسانند و خطاهای خود را ناچیز جلوه دهند اما هیچ‌گاه خود را با رژیم‌های ژاپن و کره جنوبی مقایسه نمی‌کنند و مهم‌ترین و بزرگ‌ترین خطای خود را نادیده می‌گیرند که با سیاست‌های نابخردانه خود، رژیم کنونی را بر اریکه قدرت نشانند.

۳- ایشان می‌گویند که حکومت کنونی در شأن ملت بزرگ ایران نیست. آقای ثابتی باید پاسخ‌گو باشند که آیا روئیدن حلبی‌آبادها، حصیرآبادها، و زاغه‌ها در اطراف شهرها و زندگی رقت‌بار مردم فقیر بلوچستان، بشاگرد و دیگر نقاط محروم، سانسور کتاب، مجله و روزنامه و خاموش کردن صدای روشنفکران و پای‌مال کردن حقوق اقلیت‌های قومی و دخالت ندادن مردم در اداره امور کشور و اجبار به عضویت در حزب رستاخیز و رفتار شکنجه‌گران اداره زیر دست ایشان در شأن ملت بزرگ ایران بود؟ آقای ثابتی به یاد می‌آورید کفاش زحمت‌کشی را که به علت احترام قائل نشدن برای همسر شما توسط محافظ و راننده ایشان به قتل رسید و هیچ‌گاه محاکمه نشد؟ آیا جنایت‌هایی این‌چنین در شأن ملت بزرگ ایران بود؟

۴- ایشان در مورد قتل‌ها با زیرکی تمام مورد تختی و صمد بهرنگی را مطرح می‌کنند تا چنین استدلال کنند که بقیه قتل‌ها نیز شایعه‌ای بیش نیست. شایعه‌ها زمانی در افکار عمومی به مثابه واقعیت پذیرفته می‌شوند که مردم به حکومت اعتماد نداشته باشند و زمانی که فرزندان محبوب و مردمی که در حال مبارزه با رژیم هستند به مرگ طبیعی از دنیا می‌روند مردم عامل مرگ را رژیم تلقی می‌کنند و هنگامی که رژیم، وابستگان خود مانند عامری - دبیر کل حزب مردم - و آرامش

رئیس سازمان برنامه و بودجه- را به علت مخالفت‌های آنان با سیاست دولت تحمل نمی‌کند و به قتل می‌رساند شایعات مرگ مخالفین توسط رژیم قوت بیشتری می‌گیرد.

۵- آقای ثابتی ناتوانی جنسی تختی را عامل خودکشی او می‌داند. ایشان باید پاسخ‌گو باشند که ادعای ایشان در بایگانی کدام پزشک یا بیمارستان مضبوط است و اگر گفته ایشان هم درست باشد از اعتبار و محبوبیت تختی نمی‌کاهد. یکی از عوامل مهم محبوبیت تختی مخالفت او با رژیم بود. ساواک همواره برای بی اعتبار کردن مخالفین خود به شیوه‌های دروغ‌پردازی و تهمت متوسل می‌شد. به عنوان نمونه به هنگام دستگیری یکی از فدائیان خلق در سال ۱۳۵۲ در خیابان لاله‌زار، اعلام کردند که خرابکاری در هنگام دزدیدن یک طاقه کش دستگیر شد.

۶- در مورد شکنجه، آقای ثابتی ابراز می‌دارند که ایشان با شکنجه که غیرقانونی بوده همواره مخالف بوده‌اند. بر اساس نوشته آقای حمیدیان در کتاب «سفر با بال‌های آرزو»، به هنگام دستگیری فدائی خلق عباس مفتاحی، ثابتی به او می‌گوید «حرف‌هایت را بزن و گرنه جور دیگری با تو رفتار می‌شود». صدها شاهد شکنجه شده که آثار آنرا هنوز بر بدن دارند همچنان زنده‌اند و می‌توانند انواع شکنجه‌ها را بازگو کنند. در سال‌های قدر قدرتی ساواک، ده‌ها نفر در زیر شکنجه جان باختند که می‌توان از حسن نیک داوودی، هوشنگ تیزابی، ابراهیم خلیق، فرشیدی، نمازی، هوشمند خامنه‌ای، فاطمه امینی، بهمن روحی آهنگران، شاهرخ هدایتی، پرویز حکمت‌جو و ده‌ها نفر دیگر نام برد. افزون بر آن، گزارش‌های سازمان صلیب سرخ جهانی در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ به هنگام بازدید از زندان‌ها نشان‌گر وجود شکنجه بوده است.

آقای ثابتی، اکثریت مردم ایران اعترافات شکنجه‌گرانی مانند تهرانی، آرش کمالی و شاهین را از تلویزیون مشاهده کردند و انکار شما نمی‌تواند واقعیات را کتمان کند. شما زندان‌های مخوف اوین و گوهردشت را با تمام ابزار و آلات و تجربیات برای رژیم فعلی به میراث نهادید. جنبش چپ ایران که فرزندان زیادی را در دو رژیم در راه رسیدن به آزادی و عدالت از دست داده است همواره از اشتباهات خود انتقاد کرده است اما سران رژیم پیشین هیچ‌گاه نمی‌خواهند بپذیرند که عامل اصلی بر آمدن هیولای جمهوری اسلامی خطاهای آنان بوده است و بدیهی است در آینده اعمال ساواک شکنجه‌گر و جانشین‌اش وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی برای مردم آشکارتر خواهد شد و مردم و تاریخ عاملین شکنجه را نخواهند بخشید.

شنبه ۲۲ بهمن ۱۳۹۰ - ۱۱ فوریه ۲۰۱۲